

کتابخانه عاشقانه



زنی در کنار ویتترین‌ها شاعر: احمد رضا احمدی



«زنی در کنار ویتترین‌ها» نام تازه‌ترین مجموعه شعر احمد رضا احمدی است که از سوی نشر چشمه منتشر شده است. طرح جلد این کتاب نیز مانند کتاب قبلی این شاعر، طرحی از آیدین آغداشلو است. در این کتاب قریب به ۱۰۳ شعر از احمد رضا احمدی خواهید خواند. احمد رضا احمدی شاعر و مترجم سال ۱۳۱۹ در کرمان متولد شد. او در سال ۱۳۲۶ با خانواده به تهران آمد و در دبستان ادب و صفوی تهران دوران ابتدایی را به پایان برد و دوره دبیرستان را در دارالفنون تهران به پایان رساند. او در سال ۱۳۴۹ در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مشغول به کار شد. احمدی در سال ۱۳۴۳ گروه ادبی «طرفه» را به همراه نادر ابراهیمی، اسماعیل نوری

دندان‌هایت را به من قرض بده شاعر: مرجان کاظمی



«دندان‌هایت را به من قرض بده» اولین مجموعه اشعار مرجان کاظمی است که به تازگی از سوی نشر ناکجا در فرانسه منتشر شده است.

مرجان کاظمی متولد ۱۳۶۳ تهران. دارای مدرک کاردانی IT و دانش آموخته فیلمسازی از انجمن سینمای جوان است. اولین فیلم کوتاه خود را با عنوان «بعد از هرگز» در سال ۱۳۹۰ ساخت و از نوجوانی آغاز به سرودن شعر کرد. چند شعر در مجله «نشانی» و «باران» به چاپ رساند و تعدادی از اشعارش در سایت «شهروند» و «اخبار روز» به چاپ رسید.

نوای آهسته‌مردن می آید
کسی فلوت می زند
برای این خفتگان
راه هموار و پرتیغ
زاویه‌های زنده را
خراش می دهد و می رود
کلمه نمی فهمد،
حرف بهانه می آورد،
و سکوت جایش را خیس کرده...
نوای آهسته‌مردن می آید
و جاپایی
به وسعت اندام خواب گرفته من
که بی توخوش
هوس عصا در دل دارد

علاء، مهرداد صمدی، محمدعلی سپانلو، بهرام بیضایی، اکبر رادی، جعفر کوش‌آبادی، مریم جزایری و جمیله دبیری با هدف دفاع از هنر موج نو تأسیس کرد.

آشنایی عمیق او با شعر و ادبیات کهن ایران و شعر نیما دستمایه‌ای شد تا حرکتی کاملاً متفاوت را در شعر معاصر آغاز و پی‌ریزی کند. از بیست سالگی به طور جدی به سرودن شعر پرداخت. وی نخستین مجموعه شعرش را با عنوان «طرح» در سال ۱۳۴۰ منتشر کرد.

مجموعه‌های هفت جلدی دفترهای «سالخوردگی» و دفترهای «واپسین»، «هزار اقاچیا در چشمان تو هیچ بود»، «روزی برای توخواهم گفت»، «چای درغروب جمعه سرد می شود»، «عزیز من»، «بهاریه»، «روزنامه شیشه‌ای»، «قافیه در باد گم می شود» و «لکه ای از عمر بردیوار بود»، تنها عنوان بعضی از آثار تألیفی وی هستند.

در یکی از شعرهای این مجموعه می‌خوانیم:

«حقیقت را به پای روزهای تنهائیش
ریخته بود
بی اشتها بود
برای غذا
عشق
برای کافه‌های در باران
برای همه زُمان‌های ناتمام
که نویسنده‌اش در فصل آخر رُمان
سکته کرده بود
نمی‌خواست برای ادامه زندگی‌اش
بهانه‌ای بیاورد
که باران می‌آید
و یا دو سه روز دیگر
لادن‌ها گل می‌دهند
عکاسی گفته بود شما هنوز قیافه زیبایی دارید
برای عشق آماده شوید
عکس‌ها را گرفت
جلو عکاس خانه عکس‌ها را آتش زد
و در برف به راه خود
ادامه داد.»